



دانشمندان بزرگ اسلامی و ایرانی، پایه‌گذاران و قدوین کنندگان منشور اخلاق پزشکی

فریبرز معطر^{*}، هادی معطر^{**}

* گروه فارماکوگنوزی، دانشکده‌ی داروسازی و علوم دارویی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

** گروه ژنتیک پزشکی، بیمارستان سنت جرج، لندن، انگلستان

چکیده

دین مبین اسلام اهمیت ویژه‌ای برای نگهداری سلامت جسم و روح انسان قایل است و روایات متعددی در زمینه‌ی پزشکی و حفظ سلامتی از ائمه‌ی اطهار نقل شده است. در گذشته در کلیه‌ی کشورهای اسلامی تنها کسانی می‌توانستند به کسوت محترم پزشکی درآیند که در زمینه‌ی حکمت، الهیات، عرفان و منطق مطالعه و دست داشته و لقب حکیم را احراز کرده بودند.

داروپزشکان اسلامی بنیان‌گذاران اخلاق پزشکی در مشرق‌زمین بوده‌اند و خود نیز عامل به آن بوده و پیوسته در برخورد با بیماران به مبانی اخلاق پزشکی اسلامی توجه داشته و آنرا به طور کامل رعایت می‌نموده‌اند. ابویکر محمدبن ذکریای رازی در کتاب حاوی و منصوری، شیخ‌الرئیس ابوعلی سینا در قانون، ابوبکر احمد خوینی در هدایه المتعلّمین و سید‌اسماعیل جرجانی در ذخیره‌ی خوارزمشاهی و سایر آثار پزشکی و عرفانی خود، به مبحث اخلاق در پزشکی توجه خاص مبذول داشته‌اند. در این مقاله مروری بر نظرات و آراء دانشمندان اسلامی در مورد اخلاق پزشکی خواهیم داشت.

واژگان کلیدی: اخلاق پزشکی، دانشمندان اسلامی و ایرانی

۱. مقدمه

کوشش در نگهداری سلامت جسم و روح او بسیار با اهمیت تلقی شده است و پیامبر گرانقدر در موارد بسیاری دستورات و راهنمایی‌های روشی برای حفظ سلامتی و رفع بیماری‌های جسمی و روانی انسان‌ها بیان فرموده‌اند که در کتب متعددی که به عنوان "طب النبی" موجود است درج و منتشر شده است. افزون بر این، روایات بسیاری در زمینه‌ی پزشکی و حفظ سلامتی از ائمه‌ی اطهار نقل شده است که فرازهای بی‌نظیری از آن‌ها در نهج‌البلاغه مولای متقیان و مجموعه‌هایی که به نام طب الصادق و طب الرضا جمع‌آوری شده است. در کلیه‌ی این آثار توجه به کرامت انسانی و حفظ سلامتی و تدرستی افراد بشر مورد نظر بوده و به آن توجه و توصیه‌ی خاص شده است. پزشکان عظیم الشان ایرانی نیز با توجه به تعالیم عالیه‌ی

دین مبین اسلام به عنوان هدایت کننده و نجات دهنده بشریت از جهل و گمراهی و راهنمای جهت رسیدن به کمال معرفت، حق‌بینی و حق‌جویی، بستر مناسبی برای متفکران و اندیشمندان مسلمان فراهم نموده است تا آنها با تمیّز و توجه به کلام‌وحی، فرمایشات نبی‌اکرم و راهنمایی ائمه‌ی اطهار بتوانند، در کلیه‌ی زمینه‌های معارف بشری به بالاترین درجات تعالی رسیده و با درج و انتشار افکار و اندیشه‌های خود، آیندگان را راهنمایی و ارشاد نمایند.

یکی از علمومی که در اسلام مورد توجه خاص بوده و دانشمندان اسلامی در آن به اوج کمال و بیش رسانیده‌اند، علم پزشکی می‌باشد. توجه به انسان به عنوان اشرف مخلوقات و

شرط‌های امانت دینی و شفقت مردمی به جای آورده باشد و چشم و گوش و دست و زبان از همه‌ی ناپسندیدنی‌ها نگاه داشته باشد."

در اینجا به اهمیت پاک و منزه بودن ظاهر و باطن پزشک هنگام ملاقات بیمار به خوبی اشاره شده و تأکید می‌شود، که در هنگام عمل به حرفه‌ی مقدس پزشکی، طبیب می‌باشد و بدون مشغله‌ی کاری و فکری دیگری بوده و تمام فکر و ذهن او معطوف به بیمار بوده و افزون‌بر این باشیتی کاملاً امانت‌دار و رازنگهدار باشد و کاملاً با ملاحظت و مهربانی با بیماران برخورد نماید.

جرجانی سپس اهمیت دانش‌اندوزی و صداقت در علم پزشکی و اهمیت تشخیص بیماری را مورد توجه قرار داده و آنرا یکی از مهم‌ترین اصول علم پزشکی و عمل به طبابت دانسته است و هنگام حاضر شدن بر بالین بیمار این‌چنین به‌آن تکیه می‌نماید:

"نخست باید نوع بیماری و حقیقت آن را بداند، سپس احوال آن روز و روز گذشته بپرسد و بداند که قوت بیمار امروز هم‌چون قوت دیروز هست، یا کمتر است یا بیشتر."

توجه ویژه به اطفال و تأمین تدرستی آنان در پزشکی گذشته بسیار مورد توجه بوده و دقیق‌نظر در درمان کودکان و خشنود نمودن آن‌ها، از مبانی خاص اخلاق پزشکی شمرده شده است. در این مورد جرجانی در منشور اخلاق پزشکی خود با درنظر گرفتن اصول روان‌شناسی کودکان چنین اشاره می‌فرماید:

"و اگر کودک بیمار باشد یا قوت ضعیف باشد و چیزی آرزو کند، متابعت آرزو باید کرد و از آن نوع یا مانند آن چیزی اندک اندک دادن".

مسئله‌ی امیددادن به بیمار و دلخوش کردن او و پرهیز از نامیدکردن از درمان و ترساندن بیمار، یکی از ارکان اصلی اخلاق پزشکی در مشرق‌زمین و از ویژگی‌های بارز اخلاق پزشکی در طب اسلامی محسوب می‌شود و خوشبختانه تا به امروز هم توسط پزشکان تحصیل کرده در کشور مورد رعایت قرار گرفته است و اصولاً توجه به این امر یکی از وجوده مهتم تمايز اخلاق پزشکی شرق و غرب محسوب می‌گردد.

اسلام، مفاهیم فوق‌الذکر را پیوسته در احوال و آثارشان مذاخر داشته و به آن عمل نموده‌اند.

۲. بحث

به‌طور کلی باید در نظر داشت که در کلیه‌ی کشورهای اسلامی، فقط کسانی می‌توانستند به کسوت محترم پزشکی درآیند که در زمینه‌ی حکمت، الهیات، عرفان و منطق مطالعه و دست داشته و لقب حکیم را احراز کرده بودند. در حقیقت کلمه‌ی حکیم، که از حکمت مشتق شده است، به خوبی گویا و روشنگر رفتار و کردار و سیره‌ی این بزرگان است.

داروپزشکان اسلامی بنیان‌گذاران اخلاق پزشکی در مشرق‌زمین بوده‌اند و خود نیز عامل به‌آن بوده و پیوسته در برخورد با بیماران به مبانی اخلاق پزشکی اسلامی توجه داشته و آنرا به‌طور کامل رعایت می‌نموده‌اند.

ابوبکر محمدبن زکریای رازی در کتاب حاوی و منصوری، شیخ‌الرئیس ابوعلی سینا در قانون، ابوبکر احمد خوینی در هدایه المعلمین و سید اسماعیل جرجانی در ذخیره‌ی خوارزمشاهی و سایر آثار پزشکی و عرفانی خود، به مبحث اخلاق در پزشکی توجه خاص مبذول داشته و پزشکان جوان را در عمل کردن به آن توصیه فرموده‌اند.

رازی به خوبی اهمیت توجه به اخلاق پزشکی را در مبحث آزمودن و ارزشیابی دانشجویان و مدعیان حرفه‌ی پزشکی بیان نموده و داشتن دانش عمیق نظری و بالینی و بالاخص توان تشخیص افتراقی بسیاری از بیماری‌ها را از جمله شرایط احراز قابلیت برای اشتغال به حرفه‌ی پزشکی دانسته است و به خصوص به توانمندی پزشکان در درمان بیماری‌ها حتی المقدور با استفاده از دارو و قبل از مبادرت به عمل جراحی نظر داشته است.

حکیم بزرگوار جرجانی که به سید‌الامام نیز مشهور است، در کتاب خفی علائی منشور اخلاق پزشکی خود را، که در حقیقت شالوده‌ی منشور اخلاق پزشکی اسلامی است، به شرح زیر بیان می‌فرماید:

در وصیت‌هایی که طبیب را گوش بدان باید داشت:
"طبیب را که به نزدیک یک بیمار آمد، پس از آن که

می باشد. کلّیه‌ی پزشکان اسلامی با تبعیت از کلام قاطع و روشن وحی در آیه‌ی ۳۴ سوره‌ی اعراف و آیه‌ی ۳۲ سوره‌ی مائدہ که اجازه‌ی چنین عملی را به پزشکان نداده است، متفق القول، این کار را نهی کرده و بسیار ناپسند شمرده و پیوسته در آثار مربوط به اخلاق پزشکی و در انجام اعمال تجربی خود به‌طور کلی وظیفه‌ی پزشکان را حفظ و نگهداری از جان آدمی و نه گرفتن جان او دانسته‌اند.

از مسایل دیگری که در پزشکی اسلامی و طب مشرق‌زمین از ارکان بسیار مهم اخلاق پزشکی شمرده شده و به‌آن توصیه‌ی خاص شده‌است، مسأله‌ی احترام به استاد و ذکر مأخذ و منابع در نوشتارها بوده است.

احترام به استاد در مکاتب اسلامی، اصلی بدیهی و بسیار مهم بوده و یکی از ویژگی‌های جوامع علمی مشرق‌زمین محسوب شده، و از نکات تمایز جوامع شرقی بر غربی شمرده شده‌است. افزون بر این ذکر مراجع و منابع در اکثر آثار دانشمندان گذشته‌ی اسلامی و ایرانی مورد عنایت و دقت خاص بوده است. چنان‌چه جرجانی در اکثر آثار خود هنگامی که از شیخ‌الرئیس، که به‌طور غیرمستقیم استاد او محسوب می‌شده، نام می‌برد، با احترام تمام جمله‌ی "خواجه ابوعلی سینا رحمه‌الله عليه می‌فرماید" را ذکر می‌نماید.

امید است این اخلاق پسندیده هم‌چنان در جامعه‌ی اسلامی ما محفوظ مانده و تداوم یافته و نسل‌جوان کشور هم به‌آن عنایت و عمل خاص داشته باشند.

۴. نتیجه‌گیری

به‌طور کلی توجه به ابعاد مختلف منشور اخلاق پزشکی جرجانی، که در برگیرنده‌ی از سیره و عمل اسلاف خود بوده و تأثیرگذاری ویژه‌ای بر دانشمندان و پزشکان بعدی ایرانی و شبه قاره داشته است، به‌خوبی نشان‌دهنده این‌نکته می‌باشد که جهت توجه و عمل به حدیث شریف "العلم علماً: علم الابدان و علم الادیان" پزشکان جوان باید كما فی السالب خود را به بالاترین صفات انسانی و مکارم اخلاقی آراسته سازند و چون اطباء گذشته به وارستگی کامل رسیده و خود را پاک و منزه نگاه دارند، و به بیماران به‌چشم آفریدگان مددجوی

جرجانی در منشور خود به‌این مهم به‌شرح زیر اشاره می‌فرماید:

"اندر همه‌ی بیماری‌ها، دلخوشی بیمار باید جست و با مراد ایشان باید ساخت و تدبیر قوت باید کرد، به هرچه ممکن گردد، از غم و دلناخوشی دور باید داشت، و بعضی را به‌شارتها و امید و بعضی را به زر و جواهر و غیرآن، و بعضی را به حضور دوست و مونس دلخوش باید کرد، تا شاد شود."

مسئله‌ی تداخل اثر داروها با یکدیگر و مضرّت احتمالی داروها و بالاخص نقش مهم تعذیب در تأمین سلامتی و بهبودی بیماران که امروزه به‌عنوان یکی از ویژگی‌های پزشکی نوین و غرب قلمداد می‌شود، نکته‌ای بوده است که از بیش از هزارسال قبل توسط دانشمندان بزرگ ایرانی چون رازی، ابن‌سینا و اخوینی مورد توجه بوده، و در منشور اخلاق پزشکی جرجانی به‌شرح زیر بیان می‌گردد:

"طبیب تا تواند که علاج به‌غذا کند، به‌دارو مشغول نباید بود و تا تواند که به‌داروی بسیط یعنی ناامیخته علاج کند، داروی آمیخته نباید داد، و طبیب را داروی مجھول (داروی ناشناخته) که مجھولان و پیزنان آزمایند و حکایت کنند، به‌کار نشاید داشت، و به‌آن اعتماد نشاید کرد."

از جمله ویژگی‌های اخلاق پزشکی در اسلام توجه و اعتقاد راسخ به قدرت و عظمت پروردگار و خواست و اراده‌ی او در درمان بیماران می‌باشد، و اکثرًا پزشکان بزرگ اسلامی از جمله جرجانی به‌این نکته‌ی مهم توجه داشته و مشیت و موافقت در درمان، ایزدیکتا را در امر تأثیرگذاری دارو و موفقیت در درمان، مهم‌ترین عامل دانسته و بعد از تشخیص بیماری و تجویز دارو، نسخه‌ی خود را با این جملات تکمیل و خاتمه می‌داده‌اند:

"انشالله تعالیٰ، بتوفيق الله و حسن معرفته، والله اعلم و احكم، باذن الله تبارك و تعالى، بحمد الله و منه، باذن الله عز و جل، تبارك الله رب العالمين و ارحم الراحمين، و بالله التوفيق والصلحة، وهو حسبي و نعم المعين."

از مسایل بسیار مهمی که دارای اهمیت ویژه‌ای در پزشکی اسلامی می‌باشد، مسأله ترّحّم بی‌جا و تجاوز به حیات دیگران است، که امروزه با اصطلاح اتانازی در پزشکی نوین مطرح

پروردگار نظرنموده و رضای حق تعالی را در کلیه‌ی اعمال و رفتار خود و بر بالین بیمار بر همه چیز برتر شمرند.

مسئلماً در این صورت لقب شریف حکیم برازنده‌ی آن‌ها بوده و سعادت و کامیابی حقیقی دنیا و آخرت را نصیب خواهند داشت.

منابع

۱. قرآن کریم؛ ترجمه‌ی الهی قمشه‌ای، مهدی. انتشارات پیراسته، تهران، ۱۳۸۰.
۲. نهج‌البلاغه؛ ترجمه‌ی شریعت، محمدجواد. انتشارات مشعل، اصفهان، ۱۳۷۵.
۳. ابن‌سینا، ابوعلی‌حسین؛ قانون در طب. ترجمه‌ی شرفکندي، عبدالرحمن. انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۵.
۴. ازرانی، محمداکبر؛ میزان الطب. انتشارات مؤسسه فرهنگی سماء، قم، ۱۳۸۰.
۵. الاخوینی، ابوبکر ریبع بن احمد؛ هدایه المتعلمین فی الطب. به کوشش: متینی، جلال. انتشارات دانشگاه فردوسی، مشهد، ۱۳۴۴.
۶. جرجانی، سیداسماعیل؛ الاغراض الطییه و المباحث العلائیه. انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۴۵.
۷. جرجانی، سیداسماعیل؛ ذخیره‌ی خوارزمشاهی (چاپ عکسی از روی نسخه‌ی خطی). انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۵۵.
۸. جرجانی، سیداسماعیل؛ خفی علائی. به کوشش: ولایتی علی‌اکبر؛ نجم‌آبادی، محمود. انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۶۹.
۹. چغمیںی، محمودبن محمد؛ قانونچه. ترجمه و تحریشی: میر، محمدتقی. انتشارات دانشگاه شیراز، شیراز، ۱۳۵۰.
۱۰. رازی، ابوبکر محمدبن زکریا؛ الحاوی فی الطب. انتشارات دایره‌المعارف عثمانیه، دکن، ۱۹۷۱.